



شنبه را تعطیل کنید

فعالان اقتصادی از تأثیر تعطیلی یک روز می‌گویند



تبریزی‌ها از چالش‌های
اکوسیستم در این شهر می‌گویند

پیشرفت استارت‌آپ‌های
تبریزی پس از
مهاجرت



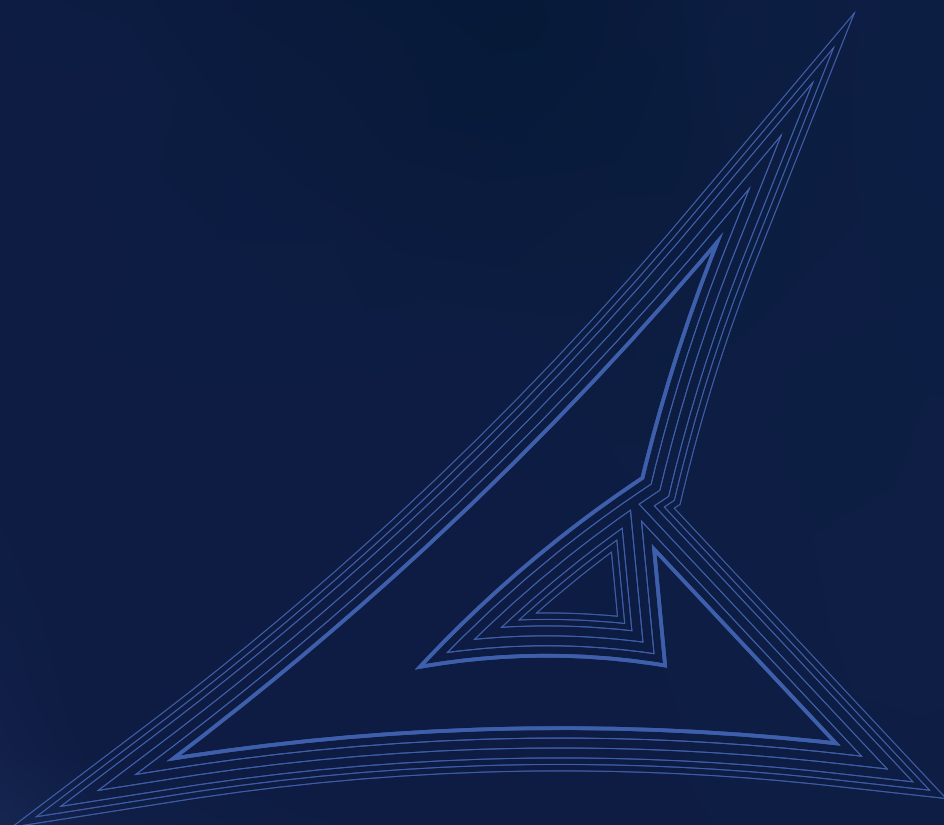
رضازرنوخی، مدیرعامل صندوق مالی
توسعه تکنولوژی ایران مطرح کرد

انگیزه ورود هلدینگ‌های
صنعتی به فضای نوآوری
قانون جدید مالیاتی است

لندتک

راه کار برگزار می کند

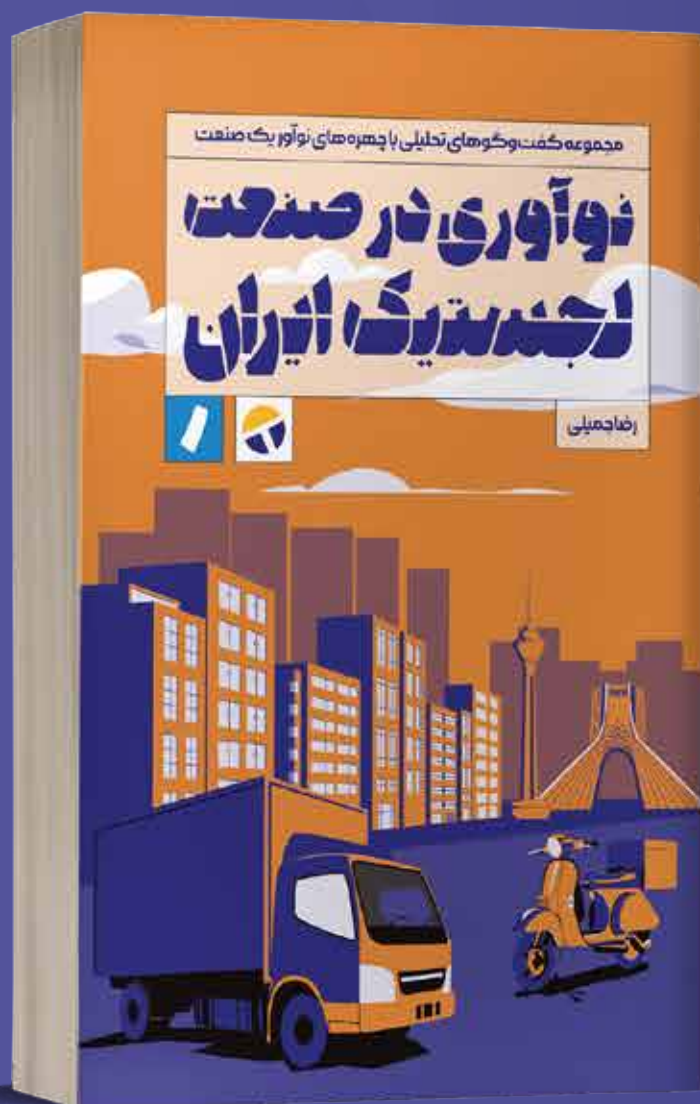
رویداد بزرگ لندتک ایران



LENDTECH

LENDTECH EVENT COMING SOON...

کتاب نوآوری در صنعت لجستیک ایران با حمایت تاپین منتشر شد



تاپین 

انتشارات راه پرداخت

استارتاپ در سمیرم: وقتی گول خوردیم و مهارت آموزی را فراموش کردیم!

در سمیرم یا شهرضا نداریم. حتماً کارمندهای سرخورده ادارات دولتی سمیرم یا نهایتاً پارک‌های علم و فناوری آن دوروبر شده‌اند. یادم آمد که چه نوجوانان و جوانان شاد و دلخوش و خجسته‌ای بودند و چه خجسته‌تر ما بودیم که فکر می‌کردیم در دشت‌های زیبای سمیرم می‌شود استارتاپ راه انداخت.

یادآوری آن خاطره باعث شد تا برای جوانان بندرعباسی عاشق استارتاپ با تلخی و روراستی بیشتری حرف بزنم. از این بگویم که استارتاپ زدن در بندرعباس تقریباً چیزی نزدیک به محال است. اگر هم ایده‌ای دارند که با هزار دقت و تأمل آن را سنجیده‌اند و نیاز صددرصد واقعی شهرشان است نهایتاً بروند و از دل آن یک بنگاه کوچک و متوسط خلق کنند تا آخر ماه پولی بگذارند جیب‌شان. از آن گفتم که ایده هرچقدر درست‌شان را روی مفهوم بلندپروازانه استارتاپ سوار نکنند و درگیر استارتاپ‌بازی و اکوسیستم استارتاپی نشوند، اما در آن روز بیشتر از این حرف زدم که می‌توانند همین حالا عطای استارتاپ را به لقایش ببخشند و بروند یک مهارت فنی یا غیرفنی را در بالاترین سطحش یاد بگیرند و کارمند و حقوق‌بگیر شرکتی شوند که پول دارد و نیازمند مهارت تخصصی آنهاست.

ادامه در صفحه ۷

گزارش «کارنگ» را درباره اوضاع ناخوش اکوسیستم استارتاپی تبریز می‌خواندم. بد ندیدم نقدی را که مدت‌هاست به مفهوم اکوسیستم‌های شهرستانی دارم بنویسم؛ نقدی که بیشتر از اینکه متوجه شهرستان‌ها و قصور آنها باشد درباره عملکرد خود ما مرکز نشین‌هایی است که در دهه ۱۳۹۰ کمی بیش از اندازه و البته خودخواهانه از جذابیت استارتاپ گفته‌ایم.

دو سال پیش در رویدادی در بندرعباس بودم. رویدادی درباره اکوسیستم کارآفرینی جنوب بود. آدم‌هایی با همان رؤیای ساخت استارتاپ نشسته بودند که من و یکی دو نفر دیگر برای آنها از اکوسیستم استارتاپی و فرصت‌های آن برای جنوبی‌ها بگوئیم.

موقعی که می‌خواستم اسلایدهای ارائه خودم را آماده کنم یاد یکی از روی جلد‌های هفته‌نامه «شنبه» افتادم. فکر می‌کنم حوالی همان سال ۱۳۹۵ بود که تازه «شنبه» را راه انداخته بودیم. روی جلدی بود از تعدادی جوان و نوجوان اصفهانی (یا دقیق‌تر بخواهم بگویم شهرضا یا سمیرم) که در دامان طبیعت عکسی خندان انداخته بودند و تیتراژ هم از رؤیای راه‌اندازی استارتاپ در آن جغرافیا می‌گفت. با خودم گفتم خدایا یعنی الان آنها کجايند؟! چون مطمئنم که هیچ استارتاپی



رضا جمیلی
مدیر توسعه
کسب و کار
راه کار

چاپ هنر اشکان

دبیر تحریریه رضا امیرزاده

ناظر چاپ قادر شهبازی

تحریریه بهناز ملکی، مریم آزادی طلب، مهران امیری

نشانی تهران، جنت آباد جنوبی، خیابان لاله غربی،
خیابان حدیث، کوچه حدیث دوم، پلاک ۸

مدیر هنری علیرضا کیوان

صفحه‌آرا حمید ابراهیمی، محمد قربانی

وبسایت Karangweekly.ir

عکس نسیم اعتمادی

شماره تماس ۰۲۱-۴۶۰۱۲۲۰۴

شبکه‌های اجتماعی محمدحسین صیادی‌نژاد،
حانیه همتی

کارنگ

هفته‌نامه
کارنگ
شماره ۱۳۶
سال چهارم
۱۳ خرداد
۱۴۰۳

صاحب امتیاز و مدیرمسئول
میناوالی

سر دبیر میثم سلیمانی

الکامپ ۱۴۰۳ به تعویق افتاد



نمایشگاه الکامپ ۱۴۰۳، فقط با یک روز تعویق در روزهای ۹ الی ۱۲ تیرماه برگزار خواهد شد. رضا حیدری، دبیر نمایشگاه الکامپ ۲۷، طی گفت‌وگویی تلفنی عنوان کرد که این رویداد با یک روز تعویق در روزهای ۹ تا ۱۲ تیرماه برگزار می‌شود. علی ابراهیم‌زاده، مدیر شرکت راهکار تجارت کوشا و مجری نمایشگاه، نیز ضمن تأیید بر اینکه این نمایشگاه با یک روز تعویق در روزهای ۹ الی ۱۲ تیرماه برگزار خواهد شد، در پاسخ به این سؤال که آیا شورای تأمین استان نیز با برگزاری الکامپ در تاریخ اعلام شده موافق است، گفت: «ما با نمایشگاه بین‌المللی قرارداد داریم و خود نمایشگاه مجوزهای برگزاری را اخذ می‌کند.» کاوه ثروتی در نشست خبری الکامپ به‌عنوان مدیر اجرایی الکامپ معرفی شد، ولی در تماس با خبرنگار کارنگ ضمن ابراز بی‌اطلاعی از روند برگزاری الکامپ ۱۴۰۳ عنوان کرد که در این دوره از رویداد هیچ نقشی ندارد.

ابلاغ دستورالعمل فروش اینترنتی نان

اتاق اصناف ایران در راستای ساماندهی فروش غیرحضوری نان، دستورالعمل فروش اینترنتی نان را ابلاغ کرد. این دستورالعمل ۳ ماه به‌صورت آزمایشی و پس از آن به‌صورت قطعی لازم‌الاجرا خواهد بود. براین اساس، قیمت و وزن نان مطابق نرخ‌نامه مصوب یا به‌صورت رقابتی، نرخ و مقدار انواع افزودنی به نان، هزینه خدمات فروش غیرحضوری، بسته‌بندی و حمل و تحویل نان به‌صورت «توافقی» بین نانوا و سکو تعیین و به‌صورت شفاف و تفکیک شده در صورت حساب الکترونیکی فروش درج می‌شود. برای رعایت حقوق مشتریان حضوری، امکان فروش غیرحضوری صرفاً برای نانوائی‌های مجهز به سامانه نوبت‌دهی و اعلام نوبت و متصل به سامانه هوشمندسازی یارانه آرد و نان فعال می‌شود.



۳ میلیون درخواست صدور مجوز در درگاه ملی

امیر سیاح، رئیس مرکز بهبود محیط کسب‌وکار، از ثبت بیش از ۳ میلیون درخواست صدور مجوز کسب‌وکار در درگاه ملی مجوزها خبر داد. به گفته او درخواست صدور مجوز کسب‌وکار به‌صورت سیستمی بررسی و در صورت داشتن شرایط مورد نیاز صادر می‌شوند.

او اعلام کرد تقریباً تمامی دستگاه‌ها به درگاه ملی مجوزها پیوسته‌اند؛ تنها بخش‌هایی از قوه قضاییه، فدراسیون‌های ورزشی و سازمان برنامه و بودجه هنوز به این درگاه اینترنتی نپیوسته‌اند.

همچنین برخی از نهادها مانند وزارت علوم و ارشاد تمهیدات لازم برای تبدیل مجوزهای کاغذی به شناسه یکتا را فراهم نکرده‌اند.



۷ میلیونی شدن نوبیتکس

تعداد کاربران نوبیتکس در زمستان سال گذشته به ۶ میلیون و اکنون با رشد یک میلیونی در کمتر از سه ماه، به ۷ میلیون کاربر رسید. بر اساس گزارش crypto.com تعداد کاربران جهانی کریپتو در سال ۲۰۲۳ با افزایش ۳۴ درصدی نسبت به ۲۰۲۲، به ۵۸۰ میلیون نفر رسیده بودند.

در ایران حداقل ۱۳/۵ درصد ایرانیان در این بازار فعال‌اند و در رتبه چهارم دارندگان رمزارز به نسبت جمعیت در جهان قرار گرفته‌اند.

در گزارش سال ۱۴۰۰ اتاق بازرگانی تهران، تعداد ایرانیان فعال در بازار ارزهای دیجیتال ۱۲ میلیون نفر بوده است که می‌توان تعداد کاربر مستقیم و غیرمستقیم را ۱۵ میلیون تخمین زد.





جای خالی نوآوری در نمایشگاه حمل و نقل ریلی

نگاهی به
یازدهمین
نمایشگاه
بین المللی
حمل و نقل و صنایع
ریلی تهران



راضیه مینابی

پزشکی بود و تقریباً در تمام محوطه به جز اطراف سالن نمایشگاه حمل و نقل ریلی نشانی از آن نبود. حتی وقتی از غرفه داران می پرسیدید که نمایشگاه حمل و نقل ریلی کجا برگزار می شود، پاسخ دقیقی دریافت نمی کردید. گاهی نیز شنیده می شد که الان زمان برگزاری نمایشگاه تجهیزات پزشکی است و نمایشگاه حمل و نقل ریلی در این مکان و تاریخ برگزار نمی شود. با کلی پرس و جو می شد فهمید که نمایشگاه این صنعت مهم در سالن ۸، ۷ و ۹ برگزار می شود؛ یعنی فقط سه سالن. البته به طور دقیق تر دو سالن و نیم. چون فقط بخشی از سالن ۱۰ توسط غرفه ها پر شده بود و بقیه سالن خالی و تاریک بود. از دشواری پیدا کردن سالن ها و نبود اطلاع رسانی در مورد سالن ها و کم رنگ بودن و گم شدن آن در نمایشگاه تجهیزات پزشکی که بگذریم، می رسم به کیفیت حضور شرکت های حمل و نقل ریلی در یکی از معدود نمایشگاه های مرتبط با این صنعت. شرکت های حاضر اغلب در حوزه تجهیزات و قطعات ریل و قطار بودند؛

یازدهمین نمایشگاه بین المللی حمل و نقل و صنایع ریلی تهران امسال نیز در محل نمایشگاه های بین المللی تهران برگزار شد. این نمایشگاه که از ۲۹ اردیبهشت تا یکم خرداد برگزار شد تنها هفت ماه با دوره قبلی فاصله داشت؛ با این حال بسیاری از شرکت کنندگان معتقد بودند که این دوره نسبت به دوره دهم بسیار بهتر بود و شرکت های این صنعت حضور پررنگ تر و برجسته تری داشتند، اما شواهد روایت دیگری داشتند. با این حال این نمایشگاه چندین چالش چشمگیر داشت: اول، به دلیل هم زمانی و هم مکانی این نمایشگاه با نمایشگاه تجهیزات پزشکی می توان گفت که تقریباً صنعت حمل و نقل ریلی در هیاهوی صنعت تجهیزات پزشکی گم شده بود. این موضوع به قدری مشهود بود که بسیاری از بازدیدکنندگان گمان می کردند تاریخ یا مکان برگزاری نمایشگاه حمل و نقل ریلی را اشتباه متوجه شده اند، زیرا تمام مسیرهای منتهی به نمایشگاه بین المللی پر از بیلبوردها و تبلیغات تجهیزات



ادامه از صفحه ۴

استارتاپ در سمیرم: وقتی گول خوردیم و مهارت آموزی را فراموش کردیم!

مسیر نادرست ترویج یک مفهوم درست

سفت وسخت عقیده دارم یکی از بزرگ ترین اشتباهات همه ما فعالان اکوسیستم استارتاپی، انداختن بچه های معصوم و با استعداد شهرستان های مختلف کشور در بازی اکوسیستم سازی بوده است؛ بچه هایی که هر کدام از تبریز گرفته تا مشهد و اصفهان و بوشهر و رشت و... یک وبسایت بالا آوردند و یک شبه فکر کردند بنیان گذار کسب و کار شده اند، اما برای یادگیری مهارت های پول سازی که می توانست یک زندگی خوب برای آنها از طریق کار کردن در شرکت های بزرگ به ارمغان بیاورد، وقتی نگذاشتند.

بچه هایی که به جای کارآموزی و کسب تجربه، آن هم در مشاغل جذاب و به روز دنیا، وقت شان را صرف طراحی کارت ویزیت خود و استارتاپی کردند که هیچ وقت کسی چیزی از آن نخرید و محصولی از آن ندید!

منکر محدود موفقیت های استارتاپی در شهرستان ها نیستم، اما آن قدر تعدادشان کم است و آن قدر همین حالا با گرفتاری های بقا مواجهند که نمی توانند مثال نقض خوبی برای حرفی که در این نوشته می زنم باشند. منکر این هم نیستم که بیشتر بچه هایی که با مفهوم استارتاپ و دنیای جذاب و پیچیده ایده ها و مدل ها و... کسب و کاری آشنا شدند بی شک آینده بهتری از کسانی که شانس مواجهه با چنین مفهومی را نداشته اند پیدا کرده اند، اما فکر می کنم می شد موضوع را از زاویه بهتری در شهرستان ها معرفی و ترویج کرد. معتقدم هنوز هم دیر نشده است. باید به بچه های شهرستان بگویم و از آنها بخواهیم حالا که به هر دلیلی در فضای دیجیتال نفس می کشند، حداقل در یک حوزه تخصصی یک مهارت سطح بالا یاد بگیرند.

چند روز پیش یکی از دوستانم در یک استارتاپ هلندی از من خواست برای یک موقعیت شغلی کاملاً دورکار که حقوق دلاری به نسبت خوبی هم داشت فردی ترجیحاً ساکن یکی از شهرستان های ایران را به او معرفی کنم. باورش سخت است، اما به چند استان مختلف سپردم و نیروی متخصص یا حداقل نیرویی که پایه اولیه آن توانمندی های مدنظر را داشته باشد پیدا نکردم!

جنبش مهارت آموزی و مسئولیت اکوسیستم

من فکر می کنم ما نیازمند جنبش مهارت آموزی مشاغل اقتصاد دیجیتال با تأکید بر ظرفیت شهرستان ها هستیم. واقعاً یادگیری مهارت های مورد نیاز (قاعدتاً منظورم در یک سطح معقول است و نه صرفاً ادعا کردن!) شغلی مانند مدیر محصول، مدیر شبکه های اجتماعی، کارشناس توسعه کسب و کار، طراح محصول، طراح وب، هماهنگ کننده تیم، کارشناس بازاریابی دیجیتال و... چقدر سخت است؟ چقدر زمان نیاز دارد؟ چقدر هزینه می خواهد؟ چقدر در شهرستان بودن مانع یادگیری آنهاست؟ چقدر در شهرستان زندگی کردن مانع پیدا کردن یک شغل دورکار مرتبط با این مهارت هاست؟!

چنین کاری یک نهضت مهارت آموزی متمرکز بر شهرستان را می خواهد. باید مهارت های حداقل لایه کارشناسی مرتبط با مشاغل اقتصاد دیجیتال (کافی است نیازمندی های ۱۰ استارتاپ بزرگ کشور را بگذاریم جلوی رویمان) را اول به بچه های با استعداد استان های مختلف بشناسانیم و بعد برای آموزش آنها مسیرهایی را تعریف کنیم. این یک مسئولیت اجتماعی روشن و دور از ریاکاری و تزویر کسب و کاری است؛ واقعی تر از واقعی!

به نحوی که تا چشم کار می کرد در سالن های نمایشگاه قطعات فلزی کوچک و بزرگ دیده می شد. بخش کمتری از شرکت های حاضر نیز مربوط به بازرگانی و ترخیص کالا بود؛ شرکت هایی که از دیرباز در این حوزه وجود داشته اند و فعالیت می کردند. با جست و جوی بسیار می شد چند شرکت لجستیکی ریلی هم در این نمایشگاه پیدا کرد که اغلب آنها شرکت های لجستیک سیالات بودند. به گفته برخی از حاضران، تعداد شرکت های حمل و نقل ریلی به قدری کم است که همه همدیگر را می شناسند. به طور کلی با اینکه کیفیت حضور شرکت ها نسبت به دوره قبل بهبود یافته بود، اما هنوز همان شرکت ها و با همان سبک و سیاق قدیمی بودند. شاید ظاهر غرقه ها نوآورانه تر شده بود، ولی این شرکت ها همان شرکت ها بودند؛ با همان طرز فکر، اسلوب و بدنه قدیمی. شرکت هایی که هنوز حتی اهمیت واحد روابط عمومی و ارتباطات را درک نکرده اند و نهایت شبکه سازی را در غرقه های پسیین نمایشگاهی می بینند که حتی به اندازه کافی برای آن تبلیغ هم نشده است. این شرکت ها حتی دیده شدن و ارتباط با رسانه را حائز اهمیت نمی بینند و به شبکه کوچکی که در آن قرار دارند راضی هستند. آنها حتی به شناختن کسب و کارهای سایر حوزه لجستیک هم تمایلی نشان نمی دهند و دیوار محکمی به دور دایره کوچک خود کشیده اند. با این حال از اینکه صدایشان به جایی نمی رسد و گوش شنوایی برای مشکلات شان ندارند، گلابه دارند.

در دنیای نوآورانه و هیبریدی امروزی انتظار می رود حتی صنایع سنگین هم آغوش بازی برای نوآوری داشته باشند؛ به خصوص صنعت ریلی که از اصلی ترین زیرساخت های لجستیک محسوب می شود و نوآوری در صنعت لجستیک در گرو نوآوری در صنایع زیرساختی است. اما متأسفانه این دست شرکت ها نه قدر نوآوری را می دانند و نه اهمیت آن را. نه از ارتباط خود با صنایع نرم تر و کوچک تر اطلاعی دارند و نه تلاشی برای شناختن آنها می کنند. این گونه جزیره ای شدن لجستیک و پاره پاره شدن این صنعت و تلاش نکردن برای اتصال تکه های این پازل پیامدهایی دارد که اگر زود آنها را درک نکنیم خیلی دیر نیست که لطماتی جدی متحمل شویم. در پایان باید گفت که این صنعت زیرساختی و مهم که بنیاد بسیاری دیگر از صنایع جدید و نوظهور را تشکیل می دهد، باید به دو نکته بیش از گذشته نگاه ویژه داشته باشد؛ یکی نوآوری و دیگری اتصال به دیگر بخش های صنعت لجستیک. انجمنی چون انجمن صنفی شرکت های حمل و نقل ریلی و خدمات وابسته باید بداند که فقط گرد هم آوردن شرکت های این حوزه درد بزرگی از دردهای آنها دوانمی کند. انجمن های این چنینی باید کسب و کارهایی را که به این شرکت ها وابسته هستند نیز شناسایی کنند و برای شبکه سازی با آنها بکوشند.

سود و زیان های اقتصادی یک تصمیم

بررسی تأثیر تعطیلی
روزهای شنبه یا
پنجشنبه بر اقتصاد
دیجیتال

تعطیلی شنبه یا پنجشنبه، بحث چندین و چندساله ای است که اختلاف نظرهای بسیاری بر سر اعمال آن وجود داشت. عده ای خواستار تعطیلی شنبه و عده دیگری خواستار تعطیلی پنجشنبه ها بودند. استدلال مخالفان تعطیلی شنبه، مغایرت تعطیلی در این روز با مبنای دینی، فرهنگی و اجتماعی است و معتقدند تعطیلی پنجشنبه در کشور نهادینه شده است؛ حال آنکه موافقان از ضررهای اقتصادی که در پی تعطیلی پنجشنبه به کشور وارد می شود سخن می گویند. انجمن اقتصاد ایران در نامه ای به کمیسیون اجتماعی مجلس که نخست با تعطیلی پنجشنبه ها موافقت کرده بود خواستار تجدید نظر در این رأی شد. مهم ترین دلیل آنها در این نامه، بار اقتصادی فراوانی بود که در پی این تعطیلی به کشور وارد خواهد شد. سرانجام پس از حاشیه ها و اختلاف نظرهای فراوان برای تعیین روز دوم تعطیلات در هفته، نمایندگان مجلس یازدهم در یکی از آخرین مصوبات این مجلس به اضافه شدن روز شنبه به تعطیلات رسمی هفتگی کشور رأی مثبت دادند و حالا همگان در انتظار نظر نهایی شورای نگهبان برای اجرای این مصوبه هستند.

تجاری رسمی کشور ما با دیگر کشورها به دلیل تعطیلی نیم بند پنجشنبه و همچنین تعطیلی کامل جمعه بسیار کم است و فقط سه روز کاری مشترک با دیگر کشورها داریم و این موضوع به اقتصاد ما ضربه می زند. او در گفت و گو با «کارنگ» توضیح می دهد: «به این تعداد کم روزهای مشترک، اختلاف زمانی را نیز اضافه کنید. برای نمونه، ما در حال حاضر بیشترین مبادلات را با چین و اروپا داریم و عملاً ساعات کاری که می توان ارتباطات مؤثری داشت، کمتر از نیم روز در هر روز کاری است و در واقع ما در طول هفته یک روز و نیم مبادله تجاری داریم؛ در نتیجه هرچقدر بتوانیم فضای کاری را طوری تدوین کنیم که تعطیلات ما با دیگر کشورها بیشتر مشترک شود و ساعات کاری مشابهی داشته باشیم، ارتباط ما بیشتر شده و با سهولت بیشتری انجام خواهد شد.»

جوانمردی در پاسخ به اینکه برخی معتقدند به دلیل تحریم و نبود ارتباط تجاری مؤثر با دنیا، تعطیلی شنبه تأثیری بر اقتصاد ما نخواهد داشت، می گوید: «اصلاً این طور نیست و تأخیر بسیار بزرگ تری ایجاد می کند؛ زیرا یک گپ زمانی یکی، دوازده نیز به فعالیت ها اضافه می شد. در نتیجه برای فعالان اقتصادی اینکه روز پنجشنبه تبدیل به یک روز کاری



منصور
محمدی

رد چند باور اشتباه درباره بی تأثیر بودن تعطیلات بر اقتصاد

شهاب جوانمردی، فعال اقتصادی و عضو اتاق بازرگانی ایران، معتقد است همین حالا نیز تبادلات



کشورها هماهنگ تر شویم، تبادلات و ارتباطات ما راحت تر می شود؛ زیرا در عرف تجاری چندان رایج نیست که در روز تعطیل مراودات اقتصادی انجام شود. در نتیجه با تعطیلی پنجشنبه و جمعه چهار روز کاری از دست می رود و تعداد روزهای کاری تجاری به شدت کاهش می یابد.» نوربخش معتقد است تعطیلی پنجشنبه ها بار اقتصادی زیادی به شرکت ها و دستگاه ها تحمیل خواهد کرد و توضیح می دهد: «برای اینکه شرکت ها رابطه خود با شرکای تجاری شان را حفظ کنند یا باید از کارمندان مشغول در داخل ایران بخواهند در روز پنجشنبه و جمعه کار کنند و در نتیجه، شرکت ها با پرداخت اضافه کاری هزینه ای را متحمل شوند یا بهتر است که این ناهماهنگی را کاهش دهیم؛ بنابراین تعطیل بودن شنبه بهتر از تعطیلی پنجشنبه خواهد بود.»

● نمی خواهیم همیشه فقط در داخل مرزها تجارت داشته باشیم

عضو اتاق بازرگانی تهران در توضیح تأثیر این تعطیلات بر اقتصاد بخش دیجیتال می گوید: «فرقی ندارد که این تصمیم در ارتباط با اقتصاد دیجیتال باشد یا غیردیجیتال. بخشی از اقتصاد دیجیتال ما در زمینه تأمین کالا است و ارتباط با کشورهای خارجی مهم است. همچنین این اقتصاد حوزه خدمات و پشتیبانی را هم دربرمی گیرد که اگر در روزهای کاری عادی انجام شود، هزینه ها بسیار



جوانمردی:
همین حالا نیاز
تبادلات تجاری
رسمی کشور
ما با دیگر
کشورها به
دلیل تعطیلی
نیم بند
پنجشنبه
و همچنین
تعطیلی
کامل جمعه
بسیار کم
است و فقط
سه روز کاری
مشترک
با دیگر
کشورها داریم
و این موضوع
به اقتصاد ما
ضربه می زند

فعال در کشور شود حتماً مؤثر است.»

جوانمردی درباره تأثیر تعطیلی شنبه ها بر اقتصاد دیجیتال و اینکه اقتصاد دیجیتال زمان و مکان نمی شناسد و در هر ساعتی از شبانه روز امکان انجام دارد، توضیح می دهد: «هر بخشی از اقتصاد، خواه اقتصاد دیجیتال باشد یا اقتصاد معدن، مشخصاتی اختصاصی دارد. برای مثال اینکه سرویس ۲۴*۷ پلتفرم ها بدون تعطیلی خدمات می دهد، یک مبحث است و اینکه پلتفرم ها برای اینکه سر پا بمانند، نیاز به اقدامات و تجهیزات دیگری از جمله سرور و تجهیزات و فضا و غیره دارند مبحثی دیگر است و همه اینها در دل اقتصاد سنتی کشور تأمین می شوند. اینکه فکر کنیم بخش دیجیتال کاملاً منفک است، به این دلیل که اسم آن اقتصاد دیجیتال است، نشان می دهد که آن اقتصاد را به درستی نشناخته ایم.»

عضو اتاق بازرگانی ایران در پاسخ به اینکه آیا اضافه شدن یک روز تعطیل به تقویم کاری کشور، خواه شنبه یا پنجشنبه، رویکرد درستی است و منجر به بهبود راندمان کاری می شود یا خیر، می گوید: «باید راجع به مبانی این مسئله بیشتر گفت و گو شود. بحث این است که آیا این تصمیم منجر به کاهش ساعات کاری می شود؟ من با کاهش چهار ساعت کار اداری مخالفم؛ زیرا معتقدم همین حالا نیز ساعت کاری مؤثر خیلی کم است و از طرفی هم معلوم نیست هزینه آن را چه کسی پرداخت می کند. از طرفی الان هم پنجشنبه ها نیمه تعطیل است و شاید تعیین تکلیف اینکه دو روز تعطیل باشد و واقعاً پنج روز کاری داشته باشیم حالت مناسب تری باشد، اما اگر به این معنی باشد که دو روز کاملاً تعطیل داشته باشیم و روز قبل از شروع تعطیلات نیز نصفه و نیمه باشد اصلاً مناسب نیست.»

● بار تعطیلی پنجشنبه ها بر دوش اقتصاد دیجیتال

قریب به اتفاق کارشناسان و فعالان اقتصادی در حوزه های مختلف معتقد به تعطیلی روز شنبه و اهمیت اعمال این روز تعطیل بر اقتصاد بخش دیجیتال و دیگر بخش های اقتصادی هستند. مازیار نوربخش، رئیس کمیسیون تحول، نوآوری و بهره وری اتاق بازرگانی تهران نیز همچون دیگر پاسخ دهندگان به سؤالات این گفت و گو معتقد است اگر شنبه روز تعطیل باشد، هم زمانی تعطیلات ما با کشورهای منطقه بیشتر خواهد شد. او به کارنگ می گوید: «در واقع اگر کشورهایی مثل چین، امارات و عراق را در نظر بگیریم، تعطیلات آنها شنبه و یکشنبه یا جمعه و شنبه است و هرچقدر با این



دیجیتال و فناوری اطلاعات به صورت ۲۴*۷ انجام می شود. این نوع فعالیت ها در زمان تعطیلات غیرممکن نیست، اما هزینه بسیار بالاتری ایجاد می کند.»

● ضرورت تنظیم و تشریح روند تعطیلات برای بخش خصوصی

سعید رسول اف، مدیرعامل شرکت ژوبین نیز در گفت و گو با کارنگ ضمن تأیید اهمیت تعطیلی روزهای شنبه بر فعالیت های اقتصادی به ویژه اقتصاد دیجیتال در توضیح مزایای تعطیلی این روز می گوید: «تعطیلی شنبه ها اگر در نهایت به عنوان قانون رسمی ابلاغ شود، اتفاق بسیار خوبی است؛ زیرا در پی آن، تعاملات ما به ویژه در حوزه صادرات با کشورهای دیگر تسهیل می شود و تعداد روزهایی که با این کشورها انطباق ساعت کاری داریم افزایش می یابد. باید به این نکته توجه کرد که بخش عمده ای از تعاملات ما با کشورهای خارجی با آن دسته از کشورهایی است که در عرض جغرافیایی با خودمان قرار دارند و طبیعتاً اختلاف ساعت کمی با آنها داریم و در نتیجه مطابقت تقویم اتفاق بسیار خوبی خواهد بود.»

اونگران شیوه اعمال این تعطیلات نیز است؛ اینکه اگر صرفاً مشمول قانون خدمات کشوری دولتی شود، رویه آن برای شرکت های بخش خصوصی چگونه تنظیم خواهد شد؟ رسول اف در این باره توضیح می دهد: «قطعاً ضرورت دارد که ساعت کار و تعطیلات بخش خصوصی نیز با بخش دولتی در تطابق کامل باشد. در این زمینه نکته قابل توجه دیگر تغییر ساعت کار است که اگر قرار است از ۴۴ ساعت به ۴۰ ساعت کاهش پیدا کند، باید توجه داشته باشیم که این کار منجر به کاهش دستمزد کارگرا می شود و اگر بخواهد با افزایش حقوق جبران شود ممکن است روی بهره وری تأثیر منفی بگذارد و باید به این نکات جزئی توجه بیشتری شود.»

رسول اف تأکید دارد برای تطابق پیدا کردن به زمان نیاز داریم و حداقل یک دوره دو تا سه ماهه نیاز است تا تنظیم جداول و همسو شدن با آنها اتفاق بیفتد. او ادامه می دهد: «افزایش تعطیلات به دو روز و کاهش تعداد روزهای کاری که البته پنجشنبه نیز یک روز کاری نیمه محسوب می شد، به افزایش نشاط عمومی کمک می کند و بخش های مختلفی که در حوزه خدمات و گردشگری مشغول اند فعالیت بیشتری خواهند داشت و شاهد افزایش سفرها و طبیعتاً رونق در این بخش ها نیز خواهیم بود که از این منظر هم اتفاق خوبی رخ خواهد داد.»



نوربخش:
فعالیت های
تجاری در زمان
تعطیلات
غیرممکن
نیست، اما
هزینه بسیار
بالا تری برای
شرکت ها
ایجاد می کند

کاهش می یابد.»

او ادامه می دهد: «در واقع قیمت حمایت های اقتصادی در تمامی روزهای هفته خیلی بالاتر از قیمت حمایت هایی است که بخش دیجیتال در روزهای عادی کاری انجام می دهد و در نتیجه هزینه مازادی را باید پرداخت کرد. درست است که فعالیت ها در بستر دیجیتال است، اما نکته این است که اگر صرفاً مرزهای ایران را در نظر بگیریم و فعالیت های داخلی مدنظر باشد (مثلاً فعالیت فروشگاه های آنلاین)، چندان فرقی ندارد که فعالیت حوزه دیجیتال در روزهای تعطیل انجام شود یا نه، اما ما نمی خواهیم همیشه فقط در داخل مرزها تجارت داشته باشیم و باید بتوانیم تجارت فرامنطقه ای را نیز گسترش دهیم و در این صورت حتماً این نکته که بتوانیم روزهای کاری مشترک بیشتری با دیگر کشورهای دنیا داشته باشیم به نفع ما خواهد بود. به علاوه هزینه دریافت خدمات و پشتیبانی و نیز هزینه نیروی انسانی در روزهای تعطیل بالا می رود.»

● بزرگ ترین ضربه به اقتصاد دیجیتال بخش بازرگانی

نوربخش در پاسخ به اینکه چه بخش هایی از اقتصاد دیجیتال با این تغییرات بیشتر تحت تأثیر قرار خواهند گرفت، بیان می کند: «در درجه اول بخش بازرگانی خواهد بود. بعد از آن به دلیل تماس ها و ارتباط گرفتن با تجار خارجی فاصله ایجاد خواهد شد؛ هرچند برخی کسب و کارها در تمام روزهای هفته در دسترس اند،

اما معمولاً در شرکت های بزرگ و بین المللی این طور نیست و روزهای تعطیل برای شان مهم و محترم است و به ایمیل ها و تماس ها نیز در این روزها پاسخ نمی دهند. بعد از بازرگانی، بخش خدمات دیجیتال بیشترین تأثیر را دریافت خواهد کرد؛ چه از لحاظ گسترش دادن خدمات در خارج از مرزها و چه از لحاظ پشتیبانی هایی که در بخش اقتصاد



مخالفان تعطیلی شنبه با سیستم تجارت آشنایی ندارند

مروری بر نظرات
موافقان و مخالفان
تعطیلی شنبه‌ها

مجلس در جریان بررسی گزارش شور دوم کمیسیون اجتماعی درباره لایحه اصلاح ماده (۸۷) قانون مدیریت خدمات کشوری، پس از استماع نظر موافقان و مخالفان با پیشنهاد محمدرضا میرتاج‌الدینی، نماینده مجلس یازدهم مبنی بر تعطیلی پنجشنبه‌ها، با ۵۱ رأی موافق، ۱۳۲ رأی مخالف و پنج رأی ممتنع از مجموع ۲۱۷ رأی نماینده حاضر در جلسه مخالفت کرد و به این ترتیب تعطیلی پنجشنبه رأی نیاورد و مصوبه کمیسیون درباره تعطیلی شنبه تأیید شد. این لایحه با هدف کاهش ساعات کاری و افزایش روزهای تعطیلی به دوروز در هفته از اسفندماه سال ۱۴۰۲ در دستور کار کمیسیون اجتماعی مجلس قرار گرفت و ابتداءً روز دوم تعطیل در هفته را پنجشنبه در نظر گرفته بود؛ تصمیمی که به درخواست صریح فعالان بازار و وزارت امور خارجه تغییر کرد. نظر کارشناسی اتاق بازرگانی به عنوان متولی اصلی تجارت خارجی کشور این بود که اگر پنجشنبه‌ها تعطیل شود، در مجموع چهارروز تعطیلی با دنیا داریم که سالانه نزدیک به ۲۲ میلیارد دلار در مناسبات اقتصادی کشور تأثیر منفی می‌گذارد.

همین جمع اعلام کرد وزارت امور خارجه با تحلیل و بررسی شرایط اقتصادی، تعطیلی شنبه را به دولت پیشنهاد داده و در این باره همسو با نظر بخش خصوصی و اتاق بازرگانی است. صادقی با بیان اینکه اضافه شدن روزهای پنجشنبه به ایام تعطیلی پایان هفته کشور، برای بخش اقتصاد و تجارت کشور زیان به همراه خواهد داشت و عاملی بازدارنده برای سرمایه‌گذاری است، تصریح کرد که وزارت امور خارجه، تعطیلی جمعه و شنبه را به دولت پیشنهاد داده است.



مخالفان تعطیلی شنبه چه می‌گویند؟

محمدرضا میرتاج‌الدینی در گفت‌وگو با «راه پرداخت» ابتدا به دعوای تعطیلی شنبه یا پنجشنبه از منظر اقتصادی و تجاری نگاه کرده است. او

از نظر اتاق بازرگانی ایران، با توجه به شاخص‌های اقتصادی کشور و ارتباط ما با کشورهای همسایه و اعمال تحریم‌هایی که ما را مجبور به انجام تعاملات اقتصادی و بانکی با چندین واسطه می‌کند و نمی‌توانیم مانند سایر کشورها کارهای روتین و مناسبات بانکی مان را انجام دهیم، ضرر تعطیلی پنجشنبه‌ها بیش از اینها هم خواهد بود؛ بنابراین اتاق بازرگانی پیشنهاد مشخصی برای تعطیلی شنبه به جای پنجشنبه داشت. این درخواست اتاق بازرگانی در نامه‌هایی به سران کشور اعلام شد. رئیس اتاق ایران در نامه‌های جداگانه به دفتر مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهور و رئیس مجلس، برنامه‌ریزی و همراهی برای مطابق‌سازی تعطیلات آخر هفته با تعطیلات جهانی را خواستار شده بود. اوایل اردیبهشت‌ماه وزارت امور خارجه هم تحلیل مشابهی ارائه داد. اگرچه سخنگوی وزارت امور خارجه در روزهای گذشته گفته که پیشنهادی برای تعطیلی شنبه‌ها یا پنجشنبه‌ها نداشتیم، اما در هفته نخست اردیبهشت‌ماه محمداسماعیل صادقی، معاون اداره گذرنامه و روادید وزارت امور خارجه نشستی با جمعی از فعالان اقتصادی بخش خصوصی در اتاق بازرگانی تهران داشت و در

که در مورد این لایحه ایجاد شد، پروپاگاندای رسانه‌ای است و هیچ اثری بر اقتصاد کشور ندارد و اگر هم داشته باشد یا خیلی اندک است یا اساساً مضراتش بیشتر است.»



● دولت الکترونیک نداریم که هر روز هفته کار کند

جلیل جلالی‌فر، عضو اتاق مشترک بازرگانی ایران و روسیه درباره تعطیلی روز شنبه می‌گوید: «تعطیلی روز شنبه یکی از مواردی بود که همواره مورد درخواست بخش خصوصی قرار می‌گرفت. برای تجارت خارجی، هر روز تعطیلی که کم شود اثرگذار است و به همین دلیل این درخواست، مطالبه همه تولیدکنندگان و تجار بخش خصوصی بوده است.» او درباره نقد مذهبی به تعطیلی شنبه هم می‌گوید: «جمعه قرار نیست تغییری داشته باشد و نماز جمعه سرچایش است. در این قانون جدید قرار شده پنجشنبه روز کاری باشد که اثرش بر تجارت خیلی زیاد است. در بررسی مزایای این طرح حتی لازم نیست فعالیت بانک‌ها را هم مدنظر قرار دهیم، چون بیشترین مشکل ما مسئله حضور کارکنان و مذاکره است» جلالی‌فر با اشاره به نقد مخالفان تعطیلی روز شنبه و استناد آنها به تجارت الکترونیک در تمام ایام هفته توضیح می‌دهد: «درست است که سیستم‌ها الکترونیک است، اما کسانی که از مجلس و دولت الکترونیک حرف می‌زنند، یک پکیج کامل الکترونیک را به من نشان بدهند که درست کار کند. ما دولت الکترونیک نداریم. از طرف دیگر پنجشنبه و جمعه، طرف خارجی می‌خواهد مذاکره کند که کارمندان در این دو روز نیستند و آن طرف هم شنبه و یکشنبه حضور ندارند. شاید در این فاصله با مدیر بتوانیم مذاکره کنیم، اما کارهای اداری پیش نمی‌رود، چون کارمندان سر کار نیستند.» او با انتقاد از عملکرد نمایندگان مخالف تعطیلی شنبه می‌گوید: «آقایان اطلاعات‌شان کامل نیست و با وازگان و سیستم تجارت و مذاکره آشنایی ندارند.»

● تصویب تعطیلی شنبه، موفقیت بخش خصوصی بود

علی شریعتی، عضو اتاق بازرگانی ایران هم می‌گوید:



میرتاج‌الدینی:
شنبه در ایران،
چه تعطیل
باشد چه
نباشد، به ارتباط
ما با جهان
آسیب نمی‌زند،
اما در داخل
اثرگذار است،
چون شنبه روز
آغاز کار است
و اگر تعطیل
شود، با افت
کاری و تولید
در داخل مواجه
خواهیم بود

می‌گوید: «موافقان تعطیلی شنبه عمدتاً از طیف فعالان اقتصادی و تجاری بودند. حرف آنها این بود که مراودات تجاری ما با جهان، با توجه به اینکه شنبه و یکشنبه در بیشتر نقاط جهان تعطیل است، دچار مشکل می‌شود.»

میرتاج‌الدینی در پاسخ به این فعالان اقتصادی می‌گوید: «اولاً شنبه در ایران، چه تعطیل باشد و چه نباشد، به ارتباط ما با جهان آسیب نمی‌زند، اما در داخل اثرگذار است، چون شنبه روز آغاز کار است و اگر تعطیل شود، با افت کاری و تولید در داخل مواجه خواهیم بود.» میرتاج‌الدینی دلیل دیگر مخالفت خود با تعطیلی شنبه را موضوع نیمه‌تعطیل شدن پنجشنبه خوانده است. او می‌گوید حتی در صورت تعطیل شدن شنبه، پنجشنبه نیمه‌تعطیل است؛ یعنی نیمه‌تعطیلی پنجشنبه کم نمی‌شود، بلکه کم‌کم ایام تعطیل ما سه روز خواهد شد. بسیاری از مردم جمعه و شنبه به مسافرت می‌روند و سفر را از روز پنجشنبه آغاز می‌کنند.

میرتاج‌الدینی سومین دلیل خود را اینگونه بیان کرد: «مراودات تجاری را نباید به روزهای کاری و اداری محدود کرد. همین الان عمده تجارت، مجازی است و فناوری اطلاعات گسترده شده و اقتصاد دیجیتال حرف اول را می‌زند؛ بنابراین لازم نیست تعطیلات را با جهان یکی کنیم که مبادلات تجاری داشته باشیم.» او می‌گوید: «کشورهای مختلف نه تنها تعطیلات‌شان یکی نیست، بلکه ساعت‌هایشان نیز با هم منطبق نیست. برای مثال چین با آمریکا که حجم تجارتش ۱۵۰۰ میلیارد دلار و ۲۵ برابر تجارت با ماست، چطور تجارت می‌کند؟ آنها نه یک روز، بلکه یک ساعت مشترک اداری هم ندارند و اگر در چین روز است در آمریکا شب است.»

میرتاج‌الدینی بیان می‌کند: «۸۵ درصد تجارت خارجی ایران با ۱۰ کشور منطقه و کشورهای اسلامی مانند ترکیه، پاکستان و کشورهای عربی است. تنها ۳ درصد مبادلات ما با اروپاست که روزهای شنبه و یکشنبه تعطیل هستند.»

میرتاج‌الدینی می‌گوید: «نکته مهم بعدی این است که ساعت کار بانک‌ها قرار نیست تغییر کند. بانک‌ها استثنای این تعطیلات جدید هستند؛ بنابراین مراودات بانکی تغییر نمی‌کند.» او ادامه می‌دهد: «مبادلات ما با دنیا دو چیز است؛ کالا و پول. در حوزه مراودات پولی که بانک‌ها تعطیل نمی‌شوند. در مورد مراودات کالایی هم گمرک‌ها هفت روز هفته کار می‌کنند و روز جمعه هم مبادلات انجام می‌شود. می‌توانیم برای گمرک شیفت اضافی بگذاریم.»

این نماینده مجلس می‌گوید: «این همه سروصدایی

این فعال اقتصادی ادامه می‌دهد: «آقایان به ما می‌گویند ما ظالمانه و یک‌طرفه تحریم شده‌ایم. خوب چرا چیزی که می‌توانید را حل نمی‌کنید؟ چرا باید فاصله را با جهان بیشتر کنیم؟ کاری که می‌توانید بکنید این است که تعطیلات را با جهان هماهنگ کنید.» شریعتی درباره کشورهای همسایه هم می‌گوید: «ما در منطقه خاورمیانه‌ای هستیم که همه کشورهای اطراف اکثراً مسلمان‌اند (و شنبه‌ها تعطیل‌اند). آیا فقط برداشت ما صحیح است؟ چرا آنها شنبه را تعطیل کرده‌اند؟ سایر کسانی که ساعت‌شان با ما در منطقه یکی است و مسلمان‌اند، نماز جمعه و عبادت ندارند؟ فقط ما بلدیم؟ چرا نمی‌گویند دبی و قطر که در همین ساعت منطقه ما هستند، شنبه تعطیل‌اند؟»

شریعتی تأکید می‌کند: «بانک یکی از ارکان مهم ارتباط با دنیاست. هرچه بیشتر باز باشد، بهتر است. اما دوستانی که می‌گویند کار ما با دنیا آنلاین است، استدلال جالبی دارند. مثل این است که بگوییم اپلیکیشن بانک را روی گوشی داریم، پس چه نیازی به بانک هست؟ انجام درخواست‌های روزمره با انجام معامله در خارج که به مذاکره و دریافت تسهیلات نیاز دارد فرق می‌کند.»



اینکه بگویند شنبه تعطیلی یهودیان است خنده‌دار است

علی کلاهی، مدیرعامل کارخانه تولید کابل ابهر با استناد مخالفان تعطیلی شنبه به مبانی دینی، این موضوع را زیر سؤال برده است. او می‌گوید: «مخالفان می‌گفتند شنبه روز تعطیلی یهودیان است که بسیار حرف خنده‌داری است. بسیاری از مناسک دینی ما به دین یهود نزدیک است و شباهت‌های بسیاری به هم دارند. اکثر کشورهای اسلامی جمعه و شنبه و حتی شنبه و یکشنبه تعطیل‌اند و تعطیلات پنجشنبه و جمعه به معنی از دست رفتن چهار روز در مبادلات تجاری است.» به گفته کلاهی، بسیاری از شرکت‌های ایرانی که سهام‌دار خارجی دارند یا با اروپا کار می‌کنند، همین الان هم جمعه و شنبه تعطیل‌اند و این دوگانه‌ای برای خانواده‌ها، شرکت‌ها و سازمان‌ها ایجاد کرده که بسیار بد است.

شریعتی: ما
که با سیلی
صورت خودمان
را سرخ نگه
می‌داریم، پس
حداقل باید این
راه را کمی
هموار کنیم.
کسی که با
خارج ارتباطی
ندارد، حق دارد از
این دشواری‌ها
مطلع نباشد،
ولی باید بداند
این دلاری که
وارد کشور
می‌شود
توسط تجاری
است که
مشکلاتی
دارند

«اتفاقی که در مجلس افتاد، فارغ از موضوع جلسه، موفقیتی برای بخش خصوصی بود. اتاق بازرگانی طبق قانون اساسی مشاور سه قوه است. ما شاهد طرحی بودیم که به پیشنهاد دولت به کمیسیون اجتماعی رفت و تعطیلی پنجشنبه را تصویب کرد. از آن تاریخ اتاق بازرگانی و فعالان اقتصادی از هر تریبونی که داشتند برای بیان نظر کارشناسی‌شان استفاده کردند.»



به گفته شریعتی، ماحصل این تلاش، تغییر مصوبه‌ای بود که بدون مشورت بخش خصوصی تصویب شده بود. مثل خیلی از قوانین که خلق الساعه توسط افرادی که نهایت تجربه‌شان کارمندی دولت و معلمی بوده و وارد مجلس شدند یا پست گرفتند، تصویب می‌شود.»

او تأکید می‌کند: «این موفقیتی برای ما بود. هر اتفاقی که برای این مصوبه بیفتد، در وهله نخست باید بدانید بخش خصوصی توانسته جلوی یک قانون غیرکارشناسی را بگیرد.» شریعتی درباره اختلافات بر سر تعطیلی پنجشنبه یا شنبه می‌گوید: «شما یک وقت راجع به عربستان حرف می‌زنید که ۱۰ برابر کل تراز تجاری ایران را دارد یا اماراتی که تنها یک ایرلاینش ۴.۶ میلیارد دلار در یک سال سود می‌دهد. یک موقع هم در مورد ایران حرف می‌زنید که با وجود این همه منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی، به واسطه تحریم و لجبازی با دنیا، گوشه رینگ افتاده و سهمش در اقتصاد دنیا به زیر پنج درصد رسیده است.» شریعتی می‌گوید: «به مباحث دینی کاری ندارم. اما وقتی کسی در ایران شبکه‌های مجازی را محدود می‌کند، می‌گوید ما «بله» و «سروش» داریم؛ یعنی متوجه نمی‌شود که یک فعال اقتصادی در روز باید از آقا زاده‌ها VPN بخرد و بیش از ۱۰ بار آن را روشن و خاموش کند تا با مشتری‌های خارجی اش حرف بزند.»

این عضو اتاق بازرگانی می‌افزاید: «ما که با سیلی صورت خودمان را سرخ نگه می‌داریم، پس حداقل باید این راه را کمی هموار کنیم. کسی که با خارج ارتباطی ندارد، حق دارد از این دشواری‌ها مطلع نباشد، ولی باید بداند این دلاری که وارد کشور می‌شود توسط تجاری است که مشکلاتی دارند.»

پیشرفت استارت‌آپ‌های تبریزی پس از مهاجرت

تبریزی‌ها از چالش‌های
اکوسیستم در این
شهر می‌گویند

مفهوم «اکوسیستم استارت‌آپی» از دهه ۹۰ شمسی در ایران شروع به شکل‌گیری کرد و همزمان با آغاز این مفهوم، استان آذربایجان شرقی و به طور خاص شهر تبریز نیز از اولین مناطقی بودند که اکوسیستم استارت‌آپی خود را راه‌اندازی کردند.

شهر تبریز شروع خوبی در راه‌اندازی اکوسیستم استارت‌آپی خود داشت و توانست با موفقیت یکی از نخستین استارت‌آپ‌ویکندهای کشور را برگزار کند. اما آنچه امروز با گذشت حدود یک دهه از تشکیل اکوسیستم استارت‌آپی تبریز شاهد هستیم به گفته فعالان آن، به قوت سال‌های گذشته نیست و روزهای خوبی را سپری نمی‌کند.

تهران و بسیاری از آنها نیز به کشورهای دیگر از جمله ترکیه مهاجرت می‌کنند.



بهنام
ملکی

بیگانگی با مفهوم سرمایه‌گذاری خطرپذیر

عباس باغبان، هم‌بنیان‌گذار و مدیرعامل شرکت معماران داده که در تبریز فعالیت می‌کند، ابتدا شرایط تبریز را از لحاظ وجود خانه‌های خلاق و مراکز رشد تشریح کرد: «در تبریز چند مرکز رشد و پارک علم و فناوری به علاوه پردیس فناوری دانشگاه تبریز وجود دارد که بیشتر خدمات‌شان فراهم کردن مکان کار و حمایت‌های معنوی است. چند شتاب‌دهنده تخصصی دیگر هم وجود دارد که زیر نظر دانشگاه‌ها فعالیت می‌کنند، مانند شهرک فناوری خودرو و مراکز رشد زیر نظر دانشگاه علوم پزشکی.»

او ادامه می‌دهد: «اما یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌هایی که یک اکوسیستم استارت‌آپی به آن نیاز دارد، سرمایه‌گذاران خطرپذیر هستند. در شرایط امروز

کارنگ در راستای بررسی عدم موفقیت اکوسیستم استارت‌آپی تبریز با افشین مهدی‌زاده، رئیس هیئت‌مدیره شرکت ابتکار فناوری نوین؛ عباس باغبان، هم‌بنیان‌گذار و مدیرعامل شرکت معماران داده؛ سینا نویدی، راهبر آژانس برندینگ راجینا و احسان عبدی‌پور، از فعالان اکوسیستم استارت‌آپی تبریز گفت‌وگو کرده است. با بررسی نظرات این فعالان و کارشناسان اکوسیستم استارت‌آپی تبریز، می‌توان پنج چالش عمده را برای شرایط پیش آمده برای اکوسیستم استارت‌آپی این شهر برشمرد: ۱. همراه نبودن دولت برای ایجاد فضاهای نوآوری، یا به دیگر سخن، همراه نبودن استانداری و شهرداری تبریز با فعالان اکوسیستم استارت‌آپی تبریز ۲. عدم سهولت در همکاری اکوسیستم استارت‌آپی با دانشگاه‌های شهر تبریز ۳. نبود سرمایه‌گذاران خطرپذیر در این شهر ۴. عدم فرهنگ‌سازی مناسب در اکوسیستم استارت‌آپی ۵. جزیره‌ای عمل کردن استارت‌آپ‌ها

فعالان این حوزه معتقد هستند که مسائل یاد شده تا حدودی تحت تأثیر فضای اقتصادی تبریز که متکی به صنایع است، به وجود آمده‌اند. به گفته آنها توجه سرمایه‌گذاران این شهر همچنان روی اقتصاد آفلاین متمرکز است و این موضوع باعث بی‌توجهی به قابلیت‌های اقتصاد دیجیتال شده است.

در نهایت شرایط به وجود آمده منجر به مهاجرت بسیاری از استارت‌آپ‌ها از این شهر شده است. برخی از نیروها و فعالان اکوسیستم تبریز برای ادامه کار به

اقتصادی موجود در کشور تأثیر پذیر هستند. افراد فعال در اکوسیستم تبریز هم ارتباط خوبی با سایر نقاط کشور و بازار کشورهای همجوار دارند. به عنوان فعال در این زمینه باید بگویم شرایط اقتصادی کشور ریسک سرمایه گذاری در حوزه های نوآور را بیشتر کرده و این موضوع بزرگ ترین چالشی است که کل استارتاپ های کشور را تحت تأثیر قرار می دهد.»



باغبان:
هنگامی
که در تبریز
زیرساخت های
لازم شکل
نمی گیرد،
بلافاصله

● ضعف مراکز نوآوری در تبریز

سینا نویدی، راهبر آژانس برندینگ راجینا، فعال در تبریز شرایط زیرساختی را برای شرکت های نوپا و نوآور در تبریز این گونه شرح داد: «مراکز نوآوری وجود دارند، اما ضعیف هستند. کارخانه نوآوری که دارای شتاب دهنده باشد، به آن صورتی که در تهران وجود دارد، در تبریز نیست.»

او در ادامه درباره شرایط آغاز به کار یک استارتاپ در تبریز اظهار داشت: «شرایط برای شروع به کار در تبریز مهیا نیست. برای این کار به سرمایه گذار نیاز است، اما در تبریز سرمایه گذاری که فعال هستند معنا و مفهوم استارتاپ را نمی دانند؛ به عبارتی شرایط موجود در تبریز برای سرمایه گذاری حالت بازار سنتی دارد و سرمایه گذاران نیز بیشتر همین تفکر سرمایه گذاری سنتی را دارند. در این تفکر سرمایه گذاران بیشتر به فکر سود هستند و به طور کلی با مفهوم استارتاپ آشنا نیستند.»

● فعالیت جزیره ای استارتاپ ها

نویدی توضیح داد: «چالش در اکوسیستم استارتابی تبریز هم در بخش رگولاتوری و هم در بخش سرمایه گذاری وجود دارد. چالش های بخش سرمایه گذاری مربوط به فرهنگ سازی در سرمایه گذاری خطر پذیر است. در تبریز خیرین و مؤسسات خیریه بسیاری داریم و از حیث وجود سرمایه مشکلی نیست، اما فرهنگ سرمایه گذاری روی اکوسیستم استارتابی در این شهر وجود ندارد. از سوی دیگر جامعه استارتابی در تبریز تفکر بسته ای دارد؛ به این معنی که هنوز افراد می خواهند جزیره ای کار کنند و در روند کار با افراد دیگر برخورد سلیقه ای دارند. می توان گفت چنین رویکردی

که دچار تورم بسیار بالا هستیم کار مرتبط با نوآوری ریسک بیشتری دارد و افراد دارای سرمایه ترجیح می دهند سرمایه خود را در جنسی که همپای تورم رشد می کند سرمایه گذاری کنند. موضوع اخیر سبب می شود کمتر کسی صبر و حوصله لازم را برای سرمایه گذاری در یک کار نوآورانه داشته باشد و این موضوع شرایط را برای استارتاپ ها بسیار پیچیده می کند.»

باغبان در توضیحات خود درباره شرایط استارتاپ های تبریز گفت: «استارتاپ ها معمولاً کار خود را تا قسمتی پیش می برند و یک محصول اولیه هم ارائه می دهند، اما به دلیل اینکه شرایط لازم برای جذب سرمایه وجود ندارد در زمانی که نیاز به توسعه بازار و محصول دارند دچار مشکل می شوند. برخی افراد هم که برای تأمین سرمایه وام دریافت می کنند دچار تبعات بیشتری هم می شوند.»

او درباره روند کار اکوسیستم استارتابی تبریز توضیح داد: «تبریز یکی از شهرهای نام آور در اکوسیستم استارتابی بود. برای مثال یکی از نخستین رویدادهای استارتاپ ویکند را در سطح کشور در سال ۱۳۹۲ برگزار کرد و اکوسیستم پویایی را شکل داد. یکی از عوامل مهمی که از آن گفته شد و باعث پیشرفت نکردن اکوسیستم تبریز است، نبود سرمایه گذاران خطرپذیر است.»

هم بنیان گذار و مدیرعامل شرکت معماران داده درباره سرمایه گذاران تبریز بیان کرد: «البته صندوق های سرمایه گذاری هستند، اما هنگام انجام کار این قول را از استارتاپ می گیرند که سود حاصل از این همکاری برای آنها بیشتر از سودی باشد که بانک به آنها می دهد و این تفکر فرسنگ ها با فرهنگ سرمایه گذاری خطرپذیر فاصله دارد.»

● مهاجرت افراد مستعد از تبریز

باغبان در بخش دیگری از صحبت های خود با اشاره به اینکه بازار تبریز با بازار ترکیه و تهران ارتباط بسیار قدرتمندی دارد، گفت: «بنابراین هنگامی که در تبریز زیرساخت های لازم شکل نمی گیرد، بلافاصله افراد مستعد و خلاق جذب اکوسیستم ترکیه یا تهران می شوند یا حتی به کشورهای دیگر مهاجرت می کنند. اما می توان گفت بیشتر مهاجرت ها در بین فعالان استارتابی به خارج از کشور صورت می گیرد.»

او در آخر افزود: «این موضوع خیلی درست نیست که اکوسیستم های استارتابی در ایران را با توجه به مرزبندی های جغرافیایی تقسیم بندی کنیم، زیرا این حوزه نباید محدود به مناطق شود. اکنون استارتاپ های قابل توجهی در تبریز وجود دارند که در سطح کشور فعالیت می کنند و به همان وسعت هم از مسائل

او گفت: «به دلیل تمام چالش‌های موجود، بسیاری از جوانان فعال در اکوسیستم استارت‌آپی تبریز تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. بسیاری از این مهاجرت‌ها به خارج از ایران و برخی دیگر هم به تهران صورت می‌گیرد. اکنون تمرکز فعالان تبریزی مهاجر بر بازار و فرهنگ و دولتمردانی است که ذهن بازتری دارند.»

راهبر آژانس برندینگ راجینا در خلال صحبت‌های خود به وضعیت کنونی مرکز نوآوری دانشگاه تبریز نیز اشاره کرد. به گفته او این مرکز ساخته شده، اما متأسفانه کاربری اصلی خود را ندارد و فعالان استارت‌آپی برای استفاده از این فضا با چالش‌های بسیاری روبه‌رو هستند؛ درحالی‌که کارخانه نوآوری تهران چالشی برای فعالان استارت‌آپی به وجود نمی‌آورد.



● مهاجرت استارت‌آپی‌های تبریزی به ترکیه

افشین مهدی‌زاده، رئیس هیئت‌مدیره شرکت ابتکار فناور نوین در خصوص شرایط اکوسیستم تبریز در مقابل دیگر شهرها بیان کرد: «استان آذربایجان شرقی یک استان صنعتی و معدنی است. در حوزه نوآوری تبریز در دانشگاه‌ها و مراکز آکادمیک فعال است و تعدادی شتاب‌دهنده هم وجود دارد. با توجه به پتانسیل‌های تبریز و در مقایسه با استان‌های هم‌سطح مثل اصفهان و مشهد به نظر می‌آید در حوزه استارت‌آپی کم‌کاری شده و تبریز اوضاع اسفناکی در مقابل این استان‌ها دارد. بخش دولتی می‌توانست کمک شایانی در توسعه اکوسیستم تبریز داشته باشد، اما اقدامی نداشت.»

او ادامه داد: «برای مثال ما در حیطه گردشگری انتظار برخی کمک‌ها و همکاری‌ها را از سوی شهرداری داشتیم که بی‌نتیجه ماند. مورد دیگر این است که در تبریز با وجود پتانسیل بالا کارخانه نوآوری وجود ندارد. اخیراً شنیده‌ام که شورای شهر با اعطای یک فضای کار اشتراکی برای شرکت‌های نوآور مخالفت کرده است. استدلال شورای شهر برای این مخالفت این بوده که اگر این فضا را به رستوران‌ها



مهدی‌زاده:
مادر حیطه
گردشگری
انتظار برخی
کمک‌ها و
همکاری‌ها
را از سوی
شهرداری
داشتیم که
بی‌نتیجه
ماند. مورد
دیگر این
است که در
تبریز با وجود
پتانسیل
بالا کارخانه
نوآوری وجود
ندارد

حدوداً میان ۴۰ درصد از فعالان استارت‌آپی تبریز وجود دارد، اما در حال کمرنگ شدن است.»

اکوسیستم استارت‌آپی تبریز شروع خوبی در آغاز کار خود داشته، اما با توجه به مشکلات موجود به نظر می‌رسد با قدرتی که در ابتدا داشت به فعالیت خود ادامه نداده است. راهبر آژانس برندینگ راجینا درباره علت این موضوع گفت: «فعالان این حوزه به استارت‌آپ‌هایی که ایجاد کردند، دلبستگی پیدا کردند. برای مثال فعالان استارت‌آپی تبریز می‌توانستند خروج بهتری در خصوص تاکسی اینترنتی در این شهر داشته باشند. مثلاً فعالان بزرگ تاکسی اینترنتی در تهران به تاکسی‌های اینترنتی بومی تبریز پیشنهاد خریداری دادند، اما این کار انجام نشد. این یکی از مواردی است که باعث عدم تزریق پول به اکوسیستم تبریز شد. استارت‌آپ‌های دیگری هم بودند که اصرار بر پیشبرد کار توسط خودشان داشته و علاقه‌ای به شراکت در سهام و فروش استارت‌آپ خود نداشتند.»

● عدم همکاری دانشگاه‌ها با اکوسیستم استارت‌آپی

او دومین دلیل رکود فضای استارت‌آپی تبریز نسبت به شروع کارش را این‌گونه بیان کرد: «دلیل دیگر فشار دولتی و سیاسی بوده است. برای مثال دانشگاه‌ها در توسعه اکوسیستم اصلاً همکاری نکردند. در واقع برخورد دانشگاه با جوانان به گونه‌ای بوده که آنها را از مشارکت سرخورده کرده است. رفتار درست با فعالان حوزه استارت‌آپی در تبریز فرهنگ‌سازی نشده است.»

نوییدی اظهار داشت که قانون‌گذاران اکوسیستم استارت‌آپی تبریز با مفهوم و فرهنگ استارت‌آپی آشنایی ندارند. البته او در ادامه به نقش این قانون‌گذاران در شکل‌گیری رویدادهای استارت‌آپی چون استارت‌آپ‌ویکندهای دانشگاهی هم اشاره کرد. اما معتقد است در این رویدادها معمولاً به مسائل ابتدایی همچون کنار هم نشستن دخترها و پسرها بیشتر توجه می‌شد تا ماهیت و مفهوم فعالیت استارت‌آپی.

راهبر آژانس برندینگ راجینا توضیح داد: «فعالیت استارت‌آپی در تبریز با موانع سختگیرانه‌ای همچون اخذ مجوزهای بسیار روبه‌روست. همچنین در این شهر مراکز نوآوری دولتی همچون دانشگاه‌ها با فعالان استارت‌آپی با سابقه به‌درستی برخورد نمی‌کنند که این رفتار منجر به سرخوردگی آنان شده است. به‌علاوه نگاه بخش دولتی به فعالان استارت‌آپی جنسیتی است و در این خصوص نیز نگاه درستی وجود ندارد.»



● عدم تلاش دولت برای ایجاد فضاهای نوآوری

احسان عبدی پور، از دیگر فعالان اکوسیستم استارت‌آپی تبریز، مدتی به برگزاری همایش‌های استارت‌آپی در این شهر مشغول بوده و با فضای استارت‌آپی تبریز آشنایی دارد. عبدی پور درباره آغاز و ادامه راه اکوسیستم تبریز گفت: «حوالی سال ۱۳۹۶ بود که یک فضای کار اشتراکی در تبریز شروع به کار کرد، اما به دلایل نامشخصی خیلی طول عمر نداشت و بعد از آن هم به مدت چندین سال فعالیت این چینی در تبریز وجود نداشت.» او در ادامه توضیح داد: «بعد از آن مجموعه آرتان ۱۱۰۰ شروع به کار کرد و در حد توان خود فعال بود، گرچه به نظر می‌رسد فعالیت‌های آنها نیز کافی نبوده است. متأسفانه هیچ‌وقت به این فکر نشده که دولت به ایجاد یک فضای نوآوری در تبریز کمک کند. اما دانشگاه‌های تبریز در این حوزه فعالیت کرده‌اند و مرکز رشد دارند که فعال‌ترین آنها مرکز رشد دانشگاه سراسری تبریز است. اما در این مرکز نیز بعد از مدتی تیم‌های نرم‌افزاری دیگر پذیرش نشدند و شرط پذیرش به ایجاد یک محصول فیزیکی تغییر کرد.» عبدی پور درباره دیگر چالش‌های اکوسیستم تبریز اظهار داشت: «موارد مختلفی برای شکل‌گیری یک اکوسیستم استارت‌آپی نیاز است. همکاری نکردن بخش دولتی در شکل‌گیری اکوسیستم تبریز بسیار پررنگ بوده؛ آن هم برای شهری که سرمایه خصوصی چندان ندارد.» او افزود: «اگر حمایت دولتی نباشد، در نهایت مجموعه‌های خصوصی نمی‌توانند پیشرفت چشمگیری داشته باشند. البته پارک فناوری تبریز نیز فضای بازی برای پذیرش ایده‌های نوآورانه ندارد. فضای نوآورانه دولتی و بخش خصوصی این حوزه در تبریز از هم دور افتاده‌اند و کمکی به هم‌پوشانی و پیشرفت یکدیگر نمی‌کنند.» عبدی پور نیز مانند سایر فعالان حوزه اکوسیستم نوآوری تبریز به نبود فضای مناسب برای رشد استارت‌آپ‌ها در تبریز اشاره کرد. به گفته او عموماً استارت‌آپ‌هایی که از تبریز مهاجرت کرده‌اند به پیشرفت چشمگیری رسیده‌اند. او در پایان خاطر نشان کرد: «بیشتر استارت‌آپ‌ها در تبریز از ابتدای راه خود در فکر مهاجرت به تهران هستند و دلیل اصلی این تفکر هم وجود ارتباطات بیشتر در تهران است.»

عبدی پور:
اگر حمایت دولتی نباشد، در نهایت مجموعه‌های خصوصی نمی‌توانند پیشرفت چشمگیری داشته باشند. البته پارک فناوری تبریز نیز فضای بازی برای پذیرش ایده‌های نوآورانه ندارد. فضای نوآورانه دولتی و بخش خصوصی این حوزه در تبریز از هم دور افتاده‌اند و کمکی به هم‌پوشانی و پیشرفت یکدیگر نمی‌کنند

اجاره دهد سود بیشتری برایش خواهد داشت؛ بنابراین فضای مناسبی در استان وجود ندارد.»

● ۹۵ درصد فضای کسب‌وکار در تبریز متعلق به بخش خصوصی است

مهدی زاده در خصوص دیگر مواردی که برای اکوسیستم استارت‌آپی تبریز چالش‌آفرین بوده توضیح داد: «نبود درک مدیران ارشد استانی از حوزه استارت‌آپی از مشکلات اکوسیستم استان است. در کنار آن باید گفت جنس گردش مالی شهر تبریز با شهرهایی همچون تهران و مشهد متفاوت است. ۹۵ درصد فضای کسب‌وکار در تبریز متعلق به بخش خصوصی است؛ در حالی که نهادهای حاکمیتی در تهران یا مشهد در حوزه‌های کسب‌وکاری دخالت بیشتری دارند. نهادهای حاکمیتی نیز به دلیل ماهیت خود راحت‌تر برای یک کسب‌وکار هزینه می‌کنند و ضریب ریسک را می‌پذیرند. به طور کلی فرهنگ اقتصادی تبریز را نمی‌توان با فرهنگ اقتصادی تهران یا اصفهان مقایسه کرد. مسئله دیگر این است که بخش دولتی در استان آذربایجان شرقی سختگیری‌های بسیاری در مقابل اکوسیستم استارت‌آپی استان دارد. می‌توان شاخص این ادعا را در گزارش فضای کسب‌وکار اتاق‌های سه‌گانه بازرگانی نیز در نظر گرفت.»

رئیس هیئت‌مدیره شرکت ابتکار فناور نوین در خصوص وضعیت مهاجرت بین‌استانی و خارج از کشور فعالان استارت‌آپی تبریز گفت: «فضای استارت‌آپی استان به صورت کلونی بوده و حلقه اتصال بین باز یگرها ضعیف است. ۹۰ درصد فعالانی که می‌شناختم به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند و تعداد کمی از آنها به تهران مهاجرت می‌کنند. عمده فعالان معمولاً ترکیه را انتخاب می‌کنند. بسیاری از شرکت‌های نوآور و دانش‌بنیان در مهاجرت خود بسیار پیشرفت کرده‌اند.» مهدی زاده افزود: «استان آذربایجان شرقی از نظر سرمایه دچار مشکل نیست. بخش دولتی اما وظیفه بزرگی در هم‌سوی کردن بخش خصوصی با خود دارد. استانداری می‌تواند مانند یک واسط میان بخش نوآور و سنتی عمل کند.»

اما به گفته مهدی زاده با اینکه فضا و سرمایه کافی برای ایجاد فضاهای نوآور در شهر تبریز و استان آذربایجان شرقی وجود دارد، اما بخش دولتی کاری در این خصوص انجام نمی‌دهد. او درباره قدم‌هایی که دولت برای توسعه اکوسیستم نوآور و استارت‌آپی تبریز برمی‌دارد ابراز امیدواری کرد و برای مثال از توافق‌نامه مشترک با معاونت فناوری نام برد.

حمایت از نیروهای تعدیل شده فلایتیو یا فرصتی برای برندسازی؟

نگاهی به ماجرای
تعدیل نیروی گسترده
فلایتیو و حواشی آن در
لینکدین

یکی از ترندهای شبکه اجتماعی لینکدین فارسی در هفته گذشته، تعدیل نیروی گسترده شرکت فلایتیو بود. براساس اطلاعات منتشر شده، فلایتیو ۳۰ نفر از نیروهای خود را تعدیل کرده و خبر این اتفاق را نیمه شب به آنها اعلام کرده است. این تعدیل نیرو در حالی اتفاق افتاد که هفته گذشته «کامیار ایرانی»، مدیرعامل فلایتیو همراه با مدیران فنی، مالی، مارکتینگ و منابع انسانی این مجموعه استعفاده بودند؛ استعفایی که حالا نیروهای تعدیل شده فلایتیو در متن مشترکی که منتشر کرده اند، دلیل آن را دخالت های بیجای هلدینگ سرمایه گذار مطرح می کنند. در این متن آمده است: «با این استعفاهای ناگهانی، اول سکوت سنگینی بر فضای فلایتیو حاکم شد و بعد صدای اعتراض ها شنیده شد و درست در ساعت سه نیمه شبی غمبار، خبر تلخ تعدیل مثل یک زلزله مهیب، این خانه شاد را برای ما ویران کرد.» در حال حاضر هلدینگ «ارنیکا» ۵۰ درصد از سهام شرکت فلایتیو را که در حوزه گردشگری فعالیت می کند در اختیار دارد و هلدینگ سرمایه گذار این مجموعه است.

علمی و مطالعه شده هیئت مدیره در امور اجرایی محوله توسط تعدادی از همکاران خود در ماه های گذشته تصمیم به قطع همکاری با برخی از مدیران اجرایی گرفت. حقانیت و صحت اجرای این تصمیم سخت، ولی مهم با فروش چشمگیر ۱۰۰ درصدی شرکت فقط طی چند روز از خروج و تغییر سیاست های اجرایی این نفرت بود که همین عدد به خودی خود بیانگر دلیل این تصمیم است.» این بیانیه از تعدیل نیروهای خود به عنوان یک تصمیم استراتژیک سخت یاد کرده و آن را لازمه رشد پویا و انقلابی فلایتیو دانسته و گفته است: «این شرکت در شرف تجربه رشدهای چشمگیر و ورود به بازارهای جهانی و همین طور IPO است.» فلایتیو در پایان این بیانیه ضمن بیان اینکه از هرگونه ورود به حاشیه خودداری می کند، می افزاید: «فلایتیو در فرهنگ عمیق سازمانی خود انجام تعهدات مالی به پرسنل شریف خود را در تمام سال های اخیر بدون کوچک ترین تأخیر انجام داده و همین رفتار در ارائه خدمات شفاف و صادقانه را با همکاران و شرکای تجاری خود و بالاخص مسافران خود داشته و این فرهنگ و وظیفه عمیقاً در فلایتیو نهادینه بوده و ماندگار است.»



رضا
امیرزاده

ادعای رشد فروش ۱۰۰ درصدی فلایتیو بعد از خروج مدیران

از سوی دیگر، شرکت فلایتیو در بیانیه ای که روز هفتم خردادماه منتشر کرده، نوشته است: «این شرکت در راستای عدم تحقق برخی از انتظارات



حمایت یا فرصتی برای برندسازی

یکی از حواشی دیگر که در ماجرای تعدیل نیروی

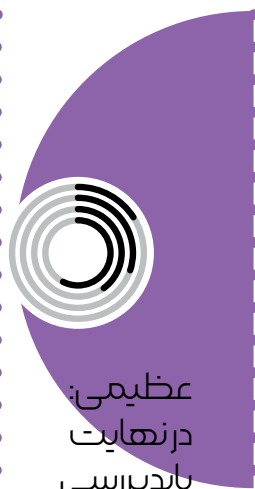
بیان می‌کند: «هدف شرکت‌هایی که برای دریافت رزومه‌ها اعلام آمادگی کرده‌اند تقویت برندینگ است و آنها برخی کاندیداها و کارجویان که برای استخدام در شرکت‌ها آماده‌تر هستند را مورد ظلم قرار داده‌اند. اما در نظر گرفتن این افراد به عنوان کاندیدا به خودی خود مشکلی ندارد.» نجاری با اشاره به تجربه‌ای که سایر برندها مانند دیجی کالا و علی بابا در زمینه تعدیل نیرو داشته‌اند، اما خللی در برند کارفرمایی آنها ایجاد نشده، می‌گوید: «در رابطه با مورد اخیر فلایتیو موضوع کمی متفاوت است. اینکه با چنین اتفاقی در بازار بدنام شوید و مطالب منفی زیادی درباره پایبند نبودن شما به تعهدات‌تان نوشته شود برای کسب‌وکار خیلی بد است. موضوع تعدیل نیرو نیست؛ موضوع غلط بودن یک استراتژی است و تداوم این استراتژی باعث می‌شود باز هم شاهد چنین اتفاقاتی در سایر شرکت‌ها یا هلدینگ‌ها باشیم.»

او اضافه می‌کند: «سال گذشته همین برهه بود که اعداد خارج از عرف از سمت برخی شرکت‌ها برای جذب ارائه می‌شد. شاید کسی در ایران حقوق ماهانه ۱۵ هزار دلاری نداشت اما از سوی برخی شرکت‌ها به عنوان ترفند چنین رقم‌هایی پیشنهاد می‌شد، اما همان شرکت‌ها نتوانستند یک ماه هم آن را پرداخت کنند.»

● درس‌هایی که باید گرفت

بهنام نجاری در بخش دیگری از صحبت‌های خود تأکید می‌کند: «درسی که می‌توان از این دست اتفاقات گرفت، توجه به آماده‌سازی افراد است. حتی اگر شرکت می‌خواهد افراد را تعدیل کند، حداقل کاری که باید انجام دهد، اطلاع‌رسانی درباره علل این تعدیل به آنهاست.»

او با تأکید بر اینکه کسب‌وکار باید دلیل تعدیل را برای کارمندش بازگو کند یا به او کمک کند کار جدیدی برای خودش پیدا کند، می‌گوید: «این همان اقدامی است که علی بابا و دیجی کالا در آن برهه برای کاهش آسیب‌ها انجام دادند. نمی‌دانم درباره اطلاع‌رسانی‌های یک‌باره در نیمه‌شب چه می‌توان گفت؟»



عظیمی:
در نهایت
باید بررسی
کرد که چه
تعداد از این
پست‌های
حمایتی به
استخدام
ختم می‌شود
مشکل
ممکن
است جایی
آشکار شود
که این
جمع‌آوری
رزومه‌ها
نمادین باشد

گسترده فلایتیو رخ داد، واکنش مختلف کاربران در شبکه اجتماعی لینکدین به موضوع درخواست برخی از مدیران از نیروهای تعدیل‌شده فلایتیو برای ارسال رزومه و همکاری بود.

به طور طبیعی اخراج یا تعدیل یک نیرو می‌تواند باعث ایجاد شرایط سخت روحی و حتی مادی برای هر فردی باشد. پس از انتشار خبر تعدیل ۳۰ نفر از نیروهای فلایتیو، همراه با همدردی برخی از کاربران، موجی از درخواست‌ها از سوی مدیران کسب‌وکارهای مختلف برای این افراد در فضای عمومی منتشر شد که از آنها برای ارسال رزومه و همکاری در مجموعه خودشان دعوت کرده بودند.

برخی از کاربران از این اتفاق به عنوان یک همدردی دسته‌جمعی یاد کرده و آن را ستایش کردند، اما برخی دیگر باور دارند با توجه به اینکه افراد بسیاری در حال حاضر، شرایطی مشابه با نیروهای تعدیل‌شده فلایتیو دارند، این‌گونه اقدامات در فضای عمومی شبکه‌های اجتماعی در برخی موارد شائبه‌برانگیز است و چه‌بسا افرادی به نیت برندسازی برای خود و مجموعه‌شان اقدام به ارائه چنین درخواست‌هایی کنند و شاید پیشنهاد آنها در حد همین درخواست برای ارسال رزومه باقی بماند.

● چه تعداد از پست‌های حمایتی به استخدام ختم می‌شود؟

سهیل عظیمی، مدیر برند کارفرمایی و تجربه همکاری دیجی کالا، در بخشی از گفت‌وگویی که با سایت رویداد برند کارفرمایی داشته، درباره موج به‌راه افتاده درخواست رزومه از نیروهای تعدیل‌شده فلایتیو می‌گوید: «در نهایت باید بررسی کرد که چه تعداد از این پست‌های حمایتی به استخدام ختم می‌شود.

اگر امکان جذب این افراد وجود داشته باشد که اقدام به شدت خوبی است و می‌تواند به افزایش برند کارفرمایی هم منجر شود، اما مشکل ممکن است جایی آشکار شود که این جمع‌آوری رزومه‌ها نمادین باشد و بعدتر با آنها تماس گرفته نشود یا آنها را استخدام نکنند. در این صورت نیروی کار بار دیگر احساس نامطلوبی را تجربه می‌کند؛ اینکه همه سازمان‌ها مثل هستند و بازار سالمی وجود ندارد.»

● موضوع غلط بودن یک استراتژی است

بهنام نجاری، معاون منابع انسانی گروه اسنپ نیز در گفت‌وگوی خود با سایت رویداد برند کارفرمایی



انگیزه ورود هلدینگ‌های صنعتی به فضای نوآوری، قانون جدید مالیاتی است

رضازرنوخی، مدیرعامل
صندوق مالی توسعه
تکنولوژی ایران در حاشیه
اینوتکس ۲۰۲۴ مطرح
کرد

سرمایه‌گذاری‌های اخیر برخی از شرکت‌های بزرگ صنعتی در حوزه اقتصاد نوآوری کشور، یکی از مهم‌ترین اتفاق‌های این حوزه در سال ۱۴۰۲ بود که به گفته برخی از فعالان حوزه نوآوری می‌تواند باعث ایجاد تغییرات مثبتی در این فضا شود. از سویی برخی دیگر فضای متفاوت اکوسیستم نوآوری با صنعت را یکی از چالش‌های پیش روی این جریان عنوان می‌کنند که در صورت عدم مدیریت صحیح می‌تواند آسیب‌زننده باشد. اما سؤالی که در این میان پیش می‌آید این است که انگیزه این هلدینگ‌ها از ورود به این فضای جدید چیست؟ آیا آنها به این باور رسیده‌اند که در آینده اقتصاد دیجیتال نقش پررنگی خواهد داشت و باید زمین بازی خود را توسعه دهند؟

در استارت‌آپ‌ها بیان کرد که داشتن انعطاف در برابر کسب و کارها یکی از ویژگی‌های مهم برای صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر است، به این دلیل که هر استارت‌آپی مسیر خاصی دارد و با کارهای پروژه‌ای متفاوت است. او در این باره گفت: «باقی ماندن این هلدینگ‌ها در اکوسیستم به عنوان بازیگر اثرگذار نیازمند فعالیت بلندمدت است و باید دید مدیران این مجموعه‌ها حوصله دارند که خارج از محدوده این مشوق قانونی فعالیت کنند یا نه. این هلدینگ‌ها با وجود داشتن سرمایه کافی در این سال‌ها سرمایه‌گذاری نکردند و حالا که به این فضا وارد شدند ما استقبال می‌کنیم، اما برای تصمیم‌گیری در این خصوص که آیا بازیگر تأثیرگذاری هستند یا نه، باید صبر کرد.»



مریم
آزادی طلب

رضازرنوخی، مدیرعامل صندوق مالی توسعه تکنولوژی ایران که یکی از چهره‌های شناخته شده حوزه سرمایه‌گذاری خطرپذیر در فضای نوآوری کشور است، در گفت‌وگویی با استودیو راه‌کار در حاشیه اینوتکس ۲۰۲۴ انگیزه ورود هلدینگ‌های صنعتی به فضای نوآوری را قانون جدید مالیاتی عنوان می‌کند. او در این خصوص توضیح می‌دهد: «بر اساس تجربه، کسانی در صنعت صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر پایدار هستند که ذهنیت کار بلندمدت و حوصله کافی برای ارتباط با کارآفرینان استارت‌آپی و نوآوران داشته باشند. اگر این شرکت‌ها صرفاً برای استفاده از مزایای اعتبار مالیاتی سرمایه‌گذاری در کسب و کارها وارد این حوزه شده باشند، شاید پنج سال آینده خبری از این هلدینگ‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایشان نباشد، چون انگیزه ماندن در این فضا را ندارند.»

بر اساس قانون جهش تولید دانش بنیان، شرکت‌ها می‌توانند بخشی از مالیات قطعی خود را در راستای فعالیت‌های مرتبط با تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری هزینه کنند و با ارائه مدارک مالیات مرتبط را نپردازند.

شرکت‌های الهام‌بخش در سال گذشته

زرنوخی در بخش دیگری از این گفت‌وگو در پاسخ به این سؤال که در سال ۱۴۰۲ فعالیت کدام مجموعه‌ها برایش الهام‌بخش بوده، از دو شرکت «سیناژن» و «گلرنگ» نام می‌برد و می‌گوید: «شرکت دارویی سیناژن که از سال ۱۳۷۳ در حوزه محصولات زیست‌شناسی مولکولی، زیست‌داروها و تشخیصی فعالیت دارد، بعد از دوران کرونا با شتاب‌دهنده سیناپس زنجیره ارزش خود را گسترش داد.»

او ادامه داد: «در یک سال گذشته این شرکت که در حوزه بایوتکنولوژی فعال است برای من جذاب بوده است. به تازگی هم شرکت سرمایه‌گذاری جدیدی راه‌اندازی کرده‌اند و هر روز خبر دستاوردهای جدیدی منتشر می‌کنند.»



ضرورت داشتن فعالیت بلندمدت

مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره صندوق مالی توسعه تکنولوژی ایران در ادامه صحبت‌های خود درباره ورود هلدینگ‌های صنعتی به فضای نوآوری با توضیح فضا و مسیر سرمایه‌گذاری



سویه‌های تاریک و روشن کاربرد هوش مصنوعی

هوش مصنوعی
و جنگ سرد دیجیتال
(بخش آخر)

هوش مصنوعی، همان سان که فرصت‌هایی ارزشمند فراهم می‌کند، خطرهای چشمگیری نیز به همراه دارد. قدرت هوش مصنوعی در کنار قابلیت‌های محاسباتی، بر پایه داده‌هایی انبوه است که در اختیار می‌گیرد. هر کشوری که به شکلی جداگانه و با جریان‌های محدود داده‌ها کار می‌کند، در بیشینه ساختن توانمندی فناوری خود ناکام می‌ماند. با این حال سیاست‌های بومی‌سازی داده‌ها از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ در سراسر جهان دوبار سخت‌گیرانه‌تر شده و همکاری‌های فرامرزی را محدود کرده است. هوش مصنوعی در حال تبدیل شدن به بخشی مهم از زیرساخت جهانی است و غرب باید برای اطمینان یافتن از اداره دموکراتیک و دسترسی باز به آن، به سرعت و یکپارچه عمل کند. ایالات متحده برای توسعه قوی‌ترین الگوهای هوش مصنوعی در بخش‌های سیاست‌های اشتراک‌گذاری داده، باید مشوق همکاری با سایر کشورهای هم‌پیمان از جمله هند، سنگاپور، ژاپن، کره جنوبی و کشورهای اروپایی باشد تا بتواند فناوری‌هایی نوآورانه خلق کند.

هیچ کشور یا سازمان پژوهشی نیست. هوش مصنوعی؛ صنعتی که در خدمت زنجیره‌های تأمین جهانی است، بدون جریان پیوسته داده‌ها نمی‌تواند سودمند باشد. چهارچوب‌های گوناگون حق انتشار در برنامه‌ها موجب ناکارآمدی شده و کسانی را که دسترسی آزاد به داده‌ها دارند بر دیگران ترجیح می‌دهد. علاوه بر این هزینه‌های سازگاری و پیچیدگی کارها بر پایه مقررات داده‌ها و الزامات حاکمیتی افزایش می‌یابد که به توانمندی اقتصاد نوآوری آسیب می‌زند. نیازی نیست که دولت‌ها



امیران

چیزهای زیادی را می‌توان از قانون حاکمیت داده اروپا که در سال ۲۰۲۲ از سوی اتحادیه اروپا تصویب شد، به دست آورد که به اشتراک‌گذاری داده‌ها را در کشورهای عضو برای بیشینه کردن منافع شهروندان و مشاغل خود تسهیل می‌کند. اشتباه در یافتن مسیر درست منجر به کم‌اثر شدن هوش مصنوعی می‌شود. داده‌های انباشته و دور از دسترس برای مدل‌هایی که درگیر موضوع تغییرات اقلیمی اند حکم اعدام بی‌درنگ را دارد. داده‌ها و نوآوری‌های پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی محدود به

پیچیده و دروغ‌ها راه‌های جدیدی برای عرضه اطلاعات نادرست فراهم می‌کند. هوش مصنوعی همچنین ارزش خود دموکراسی را محل پرسش قرار خواهد داد. آنگاه که ساختارهای استبدادی تقویت شده به وسیله هوش مصنوعی بتوانند بهتر از همتایان دموکراتیک خود عمل کنند چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ مثلاً، با کاهش گسترده جرم و جنایت بر پایه نظارت فراگیر یا با ارائه مراقبت‌های بهداشتی بسیار بهتر متکی بر دسترسی به اطلاعات متمرکز و بدون محدودیت حفظ حریم خصوصی، جهان چه شکلی خواهد شد؟ با توسعه هوش مصنوعی جایگزین‌های غیردموکراتیک و سوسه‌انگیزتر خواهند شد و این احتمالات چندان دور از دسترس نیستند.

هنگام صحبت از هوش مصنوعی بر سر چند راهی قرار داریم؛ می‌توانیم راهی را دنبال کنیم که به خودکارسازی و نابودی بینجامد و جایگزین مفهوم و کار انسانی شود یا می‌توانیم مسیری را پی بگیریم که منجر به توانمندسازی و همراهی می‌شود، ما را سازنده‌تر می‌کند، هماهنگی ما را در زندگی بیشتر می‌کند تا در هنرمان استادی بزرگ‌تر شویم. برخلاف انقلاب رسانه‌های اجتماعی، که تنظیم‌کننده‌ها اگر واقعاً می‌خواستند، قادر به تغییر مسیر یا آهسته کردن آن بودند، انقلاب برخاسته از هوش مصنوعی صرفاً می‌تواند به جلو حرکت کند. این یک انقلاب فناوری است که ذی‌نفعان آن برخلاف انقلاب‌های گذشته (مبتنی بر بسترهای کاربردی) پیشاپیش جایگاه آن را در جامعه برگزیده‌اند.

● هوش مصنوعی و نوآوری مسئولانه

کامیاب‌ترین شرکت‌ها آنانی هستند که این چشم‌انداز آینده‌نگر را پذیرفته و با تمرکز بر مجموعه‌ای از ارزش‌های هم‌سو با جامعه از ساختارهای خودتنظیم‌گر پیروی می‌کنند. همراهی بیشتر در مشارکت با بخش عمومی و اکوسیستم‌های کنونی نیز بسیار مهم است. نمی‌توانیم خود را در معرض خطر به اشتباه افتادن هوش مصنوعی قرار دهیم؛ اشتباهی که دموکراسی‌ها را در کارزار رقابتی از راه درست خارج می‌کند. از آنجا که احساس می‌شود هوش مصنوعی بر تمام بخش‌های جامعه اثر می‌گذارد، توجه به منافع گسترده ذی‌نفعان، هم یک مسئولیت اخلاقی و هم تنها راه ایجاد تحول پایدار است. شرکت‌ها باید در دوران هوش مصنوعی دستور کار نوآوری مسئولانه را دنبال و فراتر از پیله‌های مرسوم فناوری کار کنند. ایالات متحده و متحدانش برای پیروزی در جنگ سرد دیجیتال باید رهبران بازار هوش مصنوعی باشند. آنها باید برای ایجاد بهترین شرکت‌های هوش مصنوعی همکاری بین‌المللی را در جایگاه نخست قرار دهند و نگرش جدیدی ایجاد کنند؛ نگرشی که نوآوری مسئولانه و آزاد کردن توانمندی انسانی را دنبال می‌کند.

از نظارت بر هوش مصنوعی خودداری کنند، بلکه لازم است با همکاری یکدیگر استانداردها و شیوه‌های یکسان در همه کشورها ایجاد کنند. هماهنگی میان کشورهای دموکراتیک، هوش مصنوعی را انعطاف‌پذیرتر می‌کند، اما موجب بالا بردن جایگاه غرب در رهبری هوش مصنوعی نیز می‌شود.

● نوآوری مسئولانه برای انقلاب هوش

مصنوعی

اگر شرکت‌های غربی بخواهند به رهبران واقعی بازار تبدیل شوند، علاوه بر همکاری در سراسر ایالت‌ها باید با نهادهای دولتی و جامعه مدنی نیز همکاری کنند. گرچه هم‌اکنون بحث بر سر استفاده هوش مصنوعی از الگوهای زبانی بزرگ و سایر توانمندی‌های مولد است، اما مهم‌ترین آثار درازمدت هوش مصنوعی آن است که موجب دگرگونی صنایع و جامعه به عنوان یک پیکره به هم پیوسته خواهد شد. دور افتادن بازیگران خصوصی از جامعه مانع بروز دگرگونی واقعی می‌شود.

هم‌اکنون شاهد شکل‌گیری توان دگرگون‌ساز هوش مصنوعی هستیم. هوش مصنوعی قادر است به شکلی گسترده زمین بازی را برای آنان که به اطلاعات و بینش دسترسی دارند هم‌تراز کند. هوش مصنوعی می‌تواند در کلاس درس به دانش‌آموزانی که پیش از آن هرگز به منابع دسترسی نداشته‌اند، توجه ویژه کند. هوش مصنوعی در محل کار کارگران را از کارهای یکنواخت می‌رهاند تا آنها روی مسائل سطح بالاتر تمرکز کنند. در کشف دارو، هوش مصنوعی می‌تواند میلیون‌ها ترکیب دارو را برای شرایطی که هنوز نمی‌توانیم درمان کنیم آزمایش کند و توانایی تشخیص چیزهایی را دارد که ما قادر به انجام آنها نیستیم. هوش مصنوعی در تصویربرداری پزشکی توانایی تشخیص زودهنگام بیماری‌ها را دارد. در زمینه تغییرات اقلیمی می‌تواند بهتر از مدل‌های پیش‌بینی موجود عمل کند و احتمال بروز بلایای نادر، اما مرگبار را برای جمعیت‌های آسیب‌پذیر ثبت کند. در فناوری دفاعی که شاید بیشترین آسیب‌ها را در پی داشته باشد، هوش مصنوعی قادر به زدودن غبارها و بازدارندگی در برابر اقدامات تجاوزکارانه است. اما هیچ‌کدام از این موارد تضمین‌پذیر نیستند. هوش مصنوعی همان‌سان که فرصت‌هایی ارزشمند فراهم می‌سازد، خطرهای چشمگیری نیز به همراه دارد.

● تهدید هوش مصنوعی برای

دموکراسی

تهدید وجودی که هوش مصنوعی می‌تواند برای بشریت در آینده‌ای دورتر ایجاد کند این روزها در کانون توجه قرار گرفته است. هوش مصنوعی هم‌اینک به ناپایداری سامانه‌های دموکراتیک دامن زده و از طریق ربات‌های



در فناوری
دفاعی که
شاید بیشترین
آسیب‌ها را
در پی داشته
باشد، هوش
مصنوعی قادر
به زدودن غبارها
و بازدارندگی در
برابر اقدامات
تجاوزکارانه
است

اربابان کریپتو

روایتی از صرافی رمزارز کوین بیس و برایان
آرمسترانگ، بنیان گذار آن



لندزک شو

اتاق آبی
BLUE ROOM

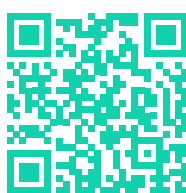


حامد قنادپور

فصل ۳، قسمت ۲

میثم سلیمانی

استودیو راهکار



برای تماشای ویدیو
اسکن کنید

با حمایت پارک فناوری فردا